



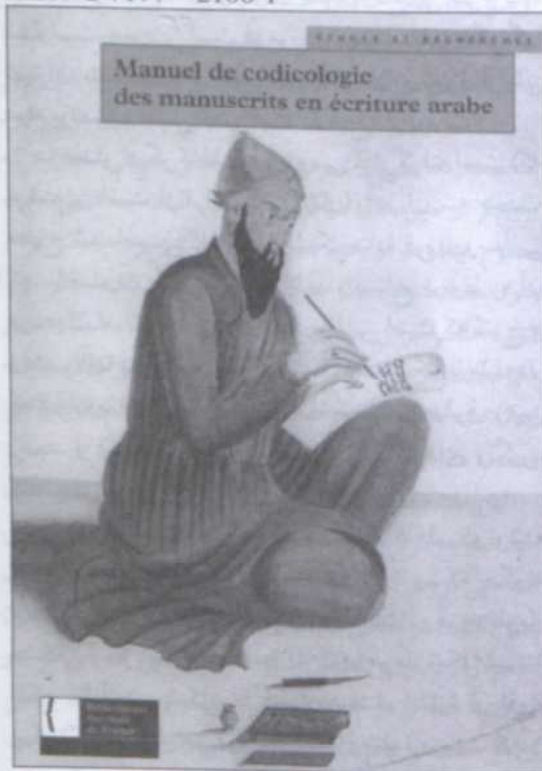
نقد و معرفی

اروپاییان مدتی پیش از آغاز جنگ‌های صلیبی در قرن پنجم هجری با کتاب‌ها و خط و زبان‌های مشرق زمین آشنایی نسبی داشتند. بروز جنگی که نزدیک به دو قرن در سرزمین‌های شرق مدیترانه و مخصوصاً در فلسطین ادامه یافت، موجب گسترش و تعمیق این آشنایی شد. اما از آن جا که فرهنگ و تعلیم و تربیت در انحصار طبقه کشیشان و اولیای کلیسا بود درگزینش کتاب‌ها و ترجمه آنها به زبان لاتین - که تا یکی دو قرن پیش تنها زبان علمی شمرده می‌شد - سلیقه‌های خاص و گاه افراطی به کار می‌رفت. تحقق رُئاسس یا «باززایی» در اروپا تحولی بزرگ و پر دامنه در این نگرش و روش پدید آورد و در نتیجه درهای دانش و پژوهش به روی همگان گشوده شد.

سفرهای دور و دراز دریایی که به کشف سرزمین‌های تازه مثل هند و آسیا و آمریکا انجامیدند، موجب آشنایی اروپاییان و مخصوصاً زمامداران و دولتمردان اروپایی با سرزمین‌های تازه شد که حاصل آن اولاً شناخت مردمان تازه با فرهنگ‌ها و تمدن‌های ناشناخته بود و ثانیاً قوت گرفتن حرص جهانگشایی و توسعه طلبی و نتیجتاً استعمار همراه با استثمار بود. رونق مسافرت به مشرق زمین و انتشار گزارش‌های مربوط به وضع زندگی، سابقه تاریخی، وضعیت علوم و فنون، نقش و سهم مردمان این کشورها در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن بشری موجب جلب توجه روزافزون اروپاییان به این بخش از جهان شد. و چون که کتاب، گنجینه کامل آن وضعیت و سابقه بود، بیش از دیگر مشخصه‌ها و اسباب، مورد توجه قرار گرفت، علی‌الخصوص که بیشتر کتاب‌ها به صورتی شایسته مزین و آراسته بودند و صرف‌نظر از محتوایشان، نمونه‌های هنرهای مشرق زمین دانسته می‌شدند. و چنین بود که کتاب در ابتدا به صورت کالای زینتی نفیس وارد

آداب نسخه‌پردازی و کتاب‌آرایی در جهان اسلام *

(و دیگر همکاران) François Déroche,
Manuel de codicologie des Manuscrits en écriture arabe. Bibliothèque national paris, de France, 2000, 416 pp.
ISBN 2-7177 - 2106-1



* ترجمه فارسی آن را کتابخانه مجلس شورای اسلامی چاپ خواهد کرد.



بازارهای داد و ستد شد، چندان که چند ایتالیایی در قرن دهم هجری «تجارت کتاب» پیشه کرده بودند و برای خرید نسخه‌های نفیس و انتقال آنها به اروپا به مشرق زمین، مخصوصاً خاک عثمانی سفر می‌کردند. حتی کُلبُر - صدر اعظم فرانسه - در حدود سال ۱۶۵۰ م/ ۱۰۶۰ ق، به نمایندگان خود در خارج از فرانسه و به فرانسویان مقیم کشورهای مشرق زمین رسماً دستور تهیه یا خرید کتاب‌های شرقی را داد. این کتاب‌ها، ابتدا وارد کتابخانه‌های خصوصی شدند، بعد بسیاری از آنها از کتابخانه سلطنتی سر در آوردند و سرانجام به کتابخانه‌های عمومی و ملی رسیدند، چنان که کتابخانه ملی فرانسه هم اکنون صاحب هزاران جلد کتاب خطی شرقی (عربی، فارسی، ترکی...) و نیز قریب به سه هزار نسخه خطی فارسی است که بیشترشان منحصر به فرد هستند.

در ابتدا میان این کتاب‌ها فرقی نمی‌نهادند و همه را، به سبب الفبای مشابه، شرقی (و معمولاً عربی) می‌شمردند. از دو قرن پیش که فهرست‌نویسی نسخه‌ها آغاز شد کم‌کم تفاوت و تمایز میان آنها آشکار گردید و کاردانان به دسته‌بندی آنها پرداختند. اما دسته‌بندی نسخه‌ها برحسب زبان یک چیز است (و چندان دشوار هم نیست) و شناسایی مشخصات و کیفیت و محتوای نسخه‌ها، چیزی دیگر است (که خیلی هم آسان نیست). به همین سبب است که در این زمینه هنوز دانش یا فن خاصی پدید نیامده است و اصول و مباحث آن تدوین نشده‌اند، و کتاب حاضر یکی از نخستین کوشش‌های جدی و منظم در این زمینه به‌شمار می‌رود. این کتاب، حاصل همکاری چند تن از دانشوران و متخصصان در امر کتابداری و نسخه‌شناسی است مثل فرانسوا دروش François Deroche (پاریس)، آنی برتی‌یه / Annie Berthier (پاریس)، ماری ژنه‌وی یو گلدسون / Marie Genevieve Guedson (پاریس)، برنار گینو / Bernard Guineau (اورلئان)، فرانسیس ریشار Francis Richard (پاریس)، ژان وزن Jean Veziny (پاریس)، محمد عیسی ولی (لندن). منظور از ذکر این نام‌ها نشان دادن میزان دانش و تخصصی است که در تدوین این کتاب به کار رفته است. البته دانش نسخه‌شناسی و نسخه‌پردازی شرقی، حداقل در اروپا، دانشی جدید شناخته می‌شود. این قدر هست که اصطلاحی که برای این دانش و فن وضع کرده‌اند که هنوز وارد فرهنگ‌نامه‌های رایج نشده است، لذا اصطلاحاتی هم که در این دانش به کار می‌روند جدید هستند و حتی زبانی که در تعریف و تبیین آنها به کار گرفته می‌شود زبانی تخصصی است و فهم آن از دسترسی غیر اهل فن به دور است. در این جا برای اینکه آگاهی نسبی از

محتویات کتاب به دست آید ابتدا به نقل فهرست مندرجات آن می‌پردازیم به این شرح:

مقدمه در باب اینکه «همة کتاب‌ها به صورت اوراق به هم پیوسته نیستند» و کتاب انواعی دارد که طومار از آن جمله است. خود طومار هم به دو صورت نوشته می‌شده است: به صورت صفحه‌های مستقل کنار هم، و به صورت طومار پیوسته. یک نوع کتاب هم به شکل آکوردئون تنظیم و صحافی می‌شده است، و البته در هر صورت، کتاب - به سبب نوع مصرف یا سفارش - در اندازه‌های مختلف نوشته می‌شده است از جیبی و پالتویی و خشتی گرفته تا وزیری و رحلی و مانند اینها. در همین مقدمه «جایگاه نسخه‌شناسی در مطالعه نسخه‌های خطی» و طرح تدوین این رشته از دانش، شیوه کار و قلمرو آن توضیح داده شده است.

ماده اولیه کتاب چیزی است که نوشته روی آن جا داده می‌شود و به آن پایه یا تکیه‌گاه یا زمینه می‌گویند و در قدیم پایروس و پوست بوده است. اهمیت این ماده در شکل‌گیری کتاب سبب شده است که فصل مستقلی به آن اختصاص یابد که ضمن آن پایروس تعریف شده، سرمنشاء آن و سابقه تاریخی آن به دست داده شده و چگونگی ساختن آن، چگونگی استفاده از آن در نسخه‌های عربی و چگونگی حفظ آن و استفاده دوباره از آن نسبتاً به تفصیل شرح داده شده است. همچنین است در مورد پوست (سابقه، چگونگی تهیه آن، مشخصات و خصوصیت‌های آن، و شیوه افزایش دوام پوست و طلس یعنی استفاده مجدد از پوست).

در فصلی دیگر کاغذ مورد بررسی قرار گرفته است (که نوشته‌ای است از فرانسیس ریشار) و در آن سه مبحث مطرح شده است: کاغذ غیر مشبک ساده قرون وسطایی که ساخت آن موجب رواج کاغذ و صنایع مربوط به آن در جهان اسلام شد و دارای مشخصاتی است که شرح و وصف آنها در کتاب آمده است. کاغذ مشبک یا ملیله‌دار که در اروپا ابداع شد و دامنه ساخت آن به مشرق زمین رسید. و «کاغذهای مخصوص» مثل کاغذهای رنگین، کاغذهای «سایه روشن‌دار» خال‌دار و ابری.

پس از شناخت وضع ماده اولیه - نوعاً کاغذ - که نوشته بر روی آن ظاهر می‌شود، به آن جامی رسیدیم که چگونه این نوشته‌ها را در کنار هم قرار دهیم. البته در مورد طومار مشکلی وجود ندارد، اما همه کتاب‌ها طومار شکل نیستند بلکه غالباً جزو شکل، یا «کتابی» هستند. اندازه اوراق و چگونگی در کنار هم قرار دادن آنها و شیوه درست کردن جزوهای پوست ... از مباحثی هستند که در این فصل بررسی شده‌اند. بدیهی است که وجود قرآن‌های قدیمی به تبیین

موضوع کمک می‌کند. اما نکته دیگر این است که شیوه‌های نوشتن در جهان اسلام، از شرق تا غرب متفاوت بوده‌اند. بدیهی است که در نوشتن و تدوین و تنظیم کتاب ابزارهای خاص به کار برده می‌شده‌اند. قبلاً باید دانست که کسانی که در کار کتاب بودند سه دسته، می‌شدند: کاتبان یا نسخه برداران، نقاشان و مُدّه‌بان و هر دسته، ابزارها و آلات خود را داشت. اولین وسیله‌ای که در کتابت به کار می‌رفت "قلم" / Calame بود که شکل‌ها و اندازه‌های مختلف و متنوع داشت. قلم معمولاً از نی ساخته می‌شد اما قلم فلزی هم به کار می‌رفته است که معمولاً از مس مخلوط با روی (له تون / Laiton) درست می‌شده است. البته خوش‌نویسانی هم بوده‌اند که برای ایجاد تأثیر بیشتر، متن‌های کوتاه را با ناخن می‌نوشته‌اند. رحل، وسیله‌ای به نام ملزما / milzama که طومار را ثابت نگاه می‌داشت؛ چاقو، وسیله‌ای به نام مَقَط که در عثمانی مکتاه / makta می‌گفتند و از چوب، عاج، صدف یا استخوان درست می‌شد؛ دوات یا مجبره، ليقه، يملواق... از دیگر ابزارهای کاتبان بوده‌اند. از مهم‌ترین آلات و ادوات خاص نقاشان و مُدّه‌بان می‌توان از انواع مرکب نام برد که با فنون و شیوه‌های خاص به کار برده می‌شدند.

پس از انجام این مراحل و فراهم آمدن مقدمات کار، نوبت خط‌کشی کاغذ و صفحه‌پردازی می‌رسد. خط‌کشی روی کاغذ، چارچوب متن را معین می‌کند و به نویسنده یا کاتب امکان می‌دهد تا مرتب بنویسد و خطوط را موازی در آورد. اندازه‌های این خط‌کشی بستگی به اندازه‌های خود کتاب دارند. یکی از شیوه‌های خط‌کشی مسطره نام دارد که رایج‌تر از شیوه‌های دیگر بوده است. البته خط‌کشی متون منظوم متفاوت از خط‌کشی متون منثور بوده است، و در متون مختلط مثل نگارستان معینی (فرهنگستان لیجشی، رم) شیوه خاصی برای خط‌کشی به کار برده می‌شده است. همین ملاحظات در مورد صفحه‌پردازی هم صدق می‌کنند. نهایت اینکه مسأله شکل خطوط در یک صفحه و حاشیه یا حواشی صفحه هم مطرح می‌شود.

این ملاحظات و فنون، مربوط به مواد کار بودند. اکنون باید تصریح کرد که این کار به دست افراد کاردان و آزموده‌ای انجام می‌گرفت که چند گروه بودند و خطاطان یا خوش‌نویسان یعنی کاتبان در صدر آنان جای داشتند. این کاتبان و خطاطان معمولاً حرفه‌ای بودند مثل یاقوت مستعصمی که حداقل دو قرآن به خط او در کتابخانه ملی فرانسه وجود دارد. برخی از اهل علم مثل یاقوت حموی زندگی را از همین راه کتابت می‌گذراندند. کاتبان گاه به طور انفرادی - در خانه - کار می‌کردند و معمولاً در کارگاه‌هایی که غالباً به امیران و

اکنون که اصل کار فراهم آمده و کتاب به نگارش در آمده است به فصل تزئین و آرایش آن می‌رسیم. البته همه کتاب‌ها را تزئین نمی‌کرده‌اند، و در تزئین کتاب‌ها استفاده از تصاویر و صحنه‌های ممنوع خودداری می‌شده است. در عین حال تزئین وسیله‌ای برای زیباتر کردن متن بوده و گاه به فهم آن کمک می‌کرده است. لذا وجود آن در کار مطالعه نسخه‌های خطی و به‌طور کلی نسخه‌شناسی بسیار اهمیت دارد. تزئین و آرایش کتاب را که با «کتاب آرای» متفاوت، می‌توان از دو وجه بررسی کرد. یک وجه آرایش کتاب است که موضوع همین فصل می‌باشد و وجه دیگر در ارتباط با هنرهای تزئینی است که خود مقوله‌ای وسیع و تاریخی دراز دارد. بررسی آرایه‌های کتاب از چند جهت انجام می‌گیرد: نفس تزئین، وجه مذهبی، جهت اجتماعی و سیاسی جامعه و وجه عملی. نکته دیگر این است که برخی از آرایش‌ها در حاشیه متن انجام می‌گرفتند، پاره‌ای در داخل متن و بعضی دیگر به صورت صفحه‌های مستقل. بدیهی است که تزئین کتاب کار کاتب نبود و به وسیله نقاشان و هنرمندانی انجام می‌گرفت که در هماهنگی با کاتب و معمولاً مستقلاً عمل می‌کردند و چنانکه پیش از این گفته شد آلات و ادوات و مواد خاص خود را داشتند.

تا اینجا کار کتابت به پایان رسیده است و در هر صورت نقش و سهم کاتب پایان گرفته است. اما کتاب هنوز کتاب

پس از انجام این مراحل و فراهم آمدن مقدمات کار، نوبت خط‌کشی کاغذ و صفحه‌پردازی می‌رسد. خط‌کشی روی کاغذ، چارچوب متن را معین می‌کند و به نویسنده یا کاتب امکان می‌دهد تا مرتب بنویسد و خطوط را موازی در آورد. اندازه‌های این خط‌کشی بستگی به اندازه‌های خود کتاب دارند. یکی از شیوه‌های خط‌کشی مسطره نام دارد که رایج‌تر از شیوه‌های دیگر بوده است. البته خط‌کشی متون منظوم متفاوت از خط‌کشی متون منثور بوده است، و در متون مختلط مثل نگارستان معینی (فرهنگستان لیجشی، رم) شیوه خاصی برای خط‌کشی به کار برده می‌شده است. همین ملاحظات در مورد صفحه‌پردازی هم صدق می‌کنند. نهایت اینکه مسأله شکل خطوط در یک صفحه و حاشیه یا حواشی صفحه هم مطرح می‌شود.

این ملاحظات و فنون، مربوط به مواد کار بودند. اکنون باید تصریح کرد که این کار به دست افراد کاردان و آزموده‌ای انجام می‌گرفت که چند گروه بودند و خطاطان یا خوش‌نویسان یعنی کاتبان در صدر آنان جای داشتند. این کاتبان و خطاطان معمولاً حرفه‌ای بودند مثل یاقوت مستعصمی که حداقل دو قرآن به خط او در کتابخانه ملی فرانسه وجود دارد. برخی از اهل علم مثل یاقوت حموی زندگی را از همین راه کتابت می‌گذراندند. کاتبان گاه به طور انفرادی - در خانه - کار می‌کردند و معمولاً در کارگاه‌هایی که غالباً به امیران و



نشده و شکل نهایی زمانی کامل می‌شود که "تجلید" و "صحافی" شده باشد، و آن فنی خاص و تخصصی است که از زمانی که کتاب پدید آمده با آن همراه بوده و در طول زمان تحولات اندک یافته است. در قدیم می‌کوشیدند تا میان صحافی کتاب و متن آن رابطه‌ای وجود داشته باشد، یعنی بتوان از شکل ظاهر صحافی به محتوای کتاب پی برد. بعدها این وسواس جای را به زیبایی و چشم‌نوازی جلد داد.

جلد هم مثل کاغذ از مواد خاص تهیه می‌شد و با ابزارها و آلات مخصوص انجام می‌گرفت. کارشناسان، انواع جلد را به سه گروه دسته‌بندی کرده‌اند هر چند که تخت یا صفحه جلد و عطف در همه آنها مشترک است. موادی که در جلد سازی به کار می‌رفتند عمدتاً چوب (تجاری شده، تراشیده)، پاپیروس، کاغذ، چرم، پارچه، فلزات، سنگ‌های قیمتی، لاک، نخ و مانند اینها بود. برای تزئین جلد از مهر (مهرزنی) یا باسمه، مشبک‌سازی، کنده‌کاری، سوزن‌دوزی، طلاکاری، صیقل‌کاری و مانند اینها استفاده می‌کردند و به این طریق جلد رازینت می‌دادند. متخصصان کتابداری و نسخه‌شناسی، جلد کتاب‌های عربی قرون وسطی را در چند دسته گروه‌بندی کرده‌اند: آرایه‌های دایره‌ای یا متشکل از دایره، آرایه‌های بیضوی، ستاره‌دار، مرکب و غیره.

تا اینجا موضوع کتاب از وجه کمی و مادی قضیه مورد بررسی قرار گرفته و روشن شده است. اما کار تحقیق درباره نسخه خطی پایان نیافته، یعنی وجه کیفی آن هنوز تبیین نشده است. به همین جهت، نویسندگان فصلی را به «تاریخ نسخه» اختصاص داده‌اند که ضمن آن چند مبحث مورد بررسی قرار گرفته است: صفحه عنوان که معمولاً همراه با نام نویسنده و یادداشت‌های دیگر در صفحه روی ورق اول ذکر می‌شود. خود عنوان به صورت‌های مختلف نوشته می‌شده است. گاهی مؤلف نام خود و فهرست مندرجات (ابواب، فصول، مباحث...) را ذکر می‌کرده است. گاهی نام خود را در پایان کتاب و در صفحه آخر (ترقیمه) همراه با تاریخ (یا تاریخ‌های مختلف) ذکر می‌کرده است. در همه حال، کاتب در صورتی که مقید به ذکر نام خود بوده آن را در آخر کتاب می‌آورده است. نوشتن نام مؤلف، کاتب، تاریخ تحریر یا کتابت و مانند اینها مطابق دستورالعمل‌های رایج انجام می‌گرفته است. در ضبط تاریخ، تقویم هجری ملاک بوده و ترتیب آن بر حسب سال و ماه (عام و شهر) تنظیم می‌شده است. البته در میان محافل غیر مسلمان مشرق زمین تقویم‌های دیگر

رایج بوده است مثل تقویم شهدا، آفرینش آدم، تقویم اسکندر، تقویم یزدگردی و غیره.

یکی از نکاتی که در کار تحقیق در زمینه کتابت و کتاب‌نویسی در جهان اسلام باید مورد توجه قرار گیرد، موضوع "وقف" است. بسیاری از مؤلفان و کاتبان خیرخواه آثار خود را وقف می‌کرده‌اند. شمار قابل توجهی از سلاطین و وزراء هم نسخه‌ها را می‌خریدند و در مساجد، مقابر و بنیادهای خیریه (مثل ربيع) وقف می‌کردند یا به مؤلفان و کاتبان سفارش نوشتن کتاب برای وقف می‌دادند. علاوه بر اینها از کتاب برای ثبت و ضبط وقایع استفاده می‌شد؛ مهر تملک و خرید، مهر وقف، ثبت تاریخ‌های ولادت و وفات و حوادث (زمین لرزه، سیل، جنگ...).

البته این اطلاعات آسان به دست نیامده‌اند، مبنای اصلی آنها «مخازن» نسخه‌های خطی موجود در کتابخانه‌ها، مخصوصاً کتابخانه ملی فرانسه است، به همین سبب نقل تاریخچه تشکیل این مخازن ضروری بوده است و لذا فصل کوتاهی در پایان کتاب به معرفی آنها اختصاص داده شده است. و کمابیش همان است که صورت تفصیلی مربوط به کتاب‌های فارسی آن را استاد فرانسیس ریشار در مقدمه کتاب فهرست نسخه‌های خطی فارسی (پاریس، کتابخانه ملی، ۱۳۶۸، ۴۳۵ص، رحلی) آورده است (و ترجمه فارسی آن را فرهنگستان زبان و ادب فارسی چاپ خواهد کرد). کتاب با چند فهرست (مفاهیم و اصطلاحات، اسامی نسخه‌های خطی، کتاب‌شناسی، شرح تصاویر) به پایان می‌رسد.

اول بار است که چنین کتابی به زبان فرانسوی چاپ و منتشر شده است. در تدوین آن نهایت دقت و وسواس به کار رفته است و لذا می‌تواند راهگشای مطالعات بعد باشد. در زبان فارسی هم تاکنون چنین کتابی نوشته و منتشر نشده است؛ لذا جای آن در زبان فارسی واقعاً خالی است. کار ترجمه آن نیز دشوار خواهد بود و باید با نهایت دقت انجام گیرد، زیرا که هم خود موضوع تازه است و هم بیشتر اصطلاحاتی که در آن به کار رفته‌اند تازه هستند یا در معانی تازه به کار رفته‌اند. خود مؤلفان هم در چند جای کتاب به مشکل انتخاب اصطلاحات و تعریفات اشاره کرده‌اند. اما حسن عمده کتاب در این است که اولاً در همه جا با تصویر و طرح و جدول نمونه‌های کارهای مطرح شده همراه است، و ثانیاً بسیار مستند نوشته شده است و هیچ صفحه‌ای نیست که خالی از یادداشت‌های توضیحی باشد. در مجموع، کتابی است غنی، آموزنده و سودمند که قدر آن باید شناخته شود و حقتش ادا گردد.

ع. روح بخشان

مرکز نشر دانشگاهی